

مسابقه‌ای با طعم دوستی



شما عاشق نقاشی کشیدن هستید؟ عاشق انیمیشن دیدن چه‌طور؟ پس گوش‌های‌تان را حسابی تیز کنید. چون شبکه‌ی پویا با همکاری سازمان جوانان هلال‌احمر دست به یک فعالیت صلح‌طلبانه زده و آن هم چیزی نیست جز برگزاری مسابقه‌ی نقاشی «صلح و دوستی».

این مسابقه که تا آخر مهرماه ادامه دارد با هدف ترویج مفهوم صلح از طریق یک فعالیت مهیج مانند نقاشی در بین بچه‌های ۵ تا ۱۲ ساله برگزار شده و به این شکل است که در پایان هر روز تعدادی از آثار برتر شرکت‌کنندگان در برنامه‌ی «نقاشی، نقاشی» شبکه‌ی پویا نمایش داده شده و یک اثر به عنوان برنده انتخاب می‌شود. به برنده جایزه‌ی نفیسی اهدا خواهد شد. تازه در پایان مهلت مسابقه از نفرات برتر به همراه خانواده‌هایشان در سازمان جوانان هلال‌احمر تقدیر خواهد شد.

یادتان نرود که آثارتان را باید در کاغذ ۴ بکشید و از طریق سایت شبکه‌ی پویا و یا به نشانی دبیرخانه (تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میرداماد، خیابان رشید یاسمی، پلاک ۳، طبقه ۳) بفرستید. در ضمن اسم و فامیل، تاریخ تولد، تلفن و نشانی‌تان را هم پشت اثرتان بنویسید.

هفته‌ی شگفت‌انگیز هلال برای کودکان



حتما می‌دانید که این هفته، هفته‌ی کودک است. اما مطمئنم این را نمی‌دانید که سازمان جوانان هلال‌احمر یک عالمه برنامه برای کودکان در نظر گرفته. پس اگر خودتان از آن کودکان کوله‌پشتی‌خوان هستید یا خواهر و برادر کوچک‌تر از خودتان دارید، برنامه‌های هلال را از دست ندهید. چه برنامه‌هایی؟ مثلاً:

- اجرای عمومی جشنواره‌ی نقاشی (همان جشنواره‌ی که خبرش را این بالا خواندید)
- اجرای نمایش برای آشنایی با زلزله
- جشن پرواز بادبادک‌ها
- انتخاب مدد و مهربان نمونه‌ی هر شهرستان و مربی برتر
- کانون‌های غنچه‌های هلال
- انتخاب کردن تعدادی از غنچه‌های هلال برای شرکت در برنامه‌های تلویزیونی
- منتظر چی هستید؟ بروید و از برنامه‌ها لذت ببرید.

مسمومیت و استفاده‌ی بیش از حد از دارو



مثلا فرض کنید یک نفر به هر دلیلی حواسش نبوده و داروهایش را به جای یک قرص ده تا خورده، یا به جای یک قاشق شربت یک لیوان شربت خورده. فرض است دیگر! فرض هم که بر جوانان عیب نیست. لابد ابروهای‌تان را می‌دهید بالا که چه بی‌مقدمه! همین؟ یک نفر بیاید فرتی یک بسته قرص بخورد؟ یک لیوان شربت سر بکشد؟ بله دیگر. قدرت تخیل‌تان را به کار بیندازید. نتیجه‌گیری اخلاقی و امدادی از این تخیل مهم است، نه روند و دلیل تخیل کردن! خب، حالا سوال این است که اگر کسی دچار این مشکل شد (تخیل کردن را نمی‌گوییم، مسمومیت و استفاده‌ی بیش از حد از دارو را می‌گوییم!)، ما در قالب یک قهرمان و امدادگر باید چه کنیم؟

دوتا کار دیگر هم می‌توانید انجام بدهید. انگشت‌تان را ته حلقش فرو کنید. خشونت به خرج ندهید! خوب بخوانید ببینید برای چه باید این کار را انجام بدهید. برای این که در فرد حالت تهوع ایجاد کنید تا آن چه را که خورده پس بدهد. اگر روم به دیوار بالا نیاورد، نیم ساعت بعد باز هم این کار را تکرار کنید. چه دلیلی دارد بالا نیاورد؟ زور است! نکته‌ی کنکوری این مرحله این است که اگر دارویی ناشناخته را خورده بود، نباید در او استفراغ ایجاد کنید. نکته‌ی بعدی هم این است که با نفس عمیقی، تمام درد و دل‌ها، نداری‌ها، بی‌پولی‌ها و درد و مرض‌های‌تان را جمع کنید توی سینه‌تان و شروع کنید به درد و دل کردن با بیمار. عذاب وجدان هم نگیرید. شما باید آن قدر با او صحبت کنید تا او را هوشیار و بیدار نگه دارید. برای این کار از خاطرات آیکی مدرسه یا خواب دیشب و هر چیز بامزه و بی‌مزه‌ی دیگری هم می‌توانید استفاده کنید. خب حالا بچه‌ی زرنگ و باهوش انگشتش را می‌گیرد بالا و می‌پرسد: اگر هوشیار نبود چه؟ اگر هر چه گفتیم و نشنید چه؟

تبارک الله به این نوجوان باهوش و با دقت! اگر مصدوم هوشیار نبود، با اورژانس تماس بگیرید و تا وقتی که امدادگران نیامده‌اند خودتان دوباره علائم هوشیاری‌اش از جمله راه هوایی، تنفس و گردش خونش را کنترل کنید. لباس‌هایش را شل کنید. در صورتی که تنفسش قطع شده بود، اگر و فقط اگر تنفس دهان به دهان بلدید، این کار را انجام بدهید. در غیر این صورت منتظر امدادگران باشید تا از راه برسند.

الف) دست‌مان را مشت کنیم و به شل‌مان باد بدهیم تا به پرواز در بیاییم.
ب) مصدوم یا مسموم را نصیحت کنیم که از این به بعد داروهایش را کم‌تر بخورد.
ج) داروها را خرد و خاک‌شیر کنیم تا با عامل مسمومیت جنگیده باشیم.
د) حالا یه کاری می‌کنیم.

ه) گزینه‌ی آخر!
اولین کار همان گزینه‌ی اول است. به جای جیغ و بیغ و هول‌شدن، دست‌تان را مشت کنید و با شل نامرئی‌تان به کمک مصدوم یا مسموم بشتابید! بعد هم علائم حیاتی‌اش را بررسی کنید. علائم حیاتی هم یعنی مشکلات تنفسی، نبض ضعیف و سریع، خواب‌آلودگی و چرت‌زدن، عدم هوشیاری، پوست سرد و مرطوب، تعریق، استفراغ، توهم و... این علائم بسته به دارویی که استفاده شده، متفاوت خواهد بود. خب، حالا این‌ها را دیدیم چه کنیم؟ شبیه یک کارآگاه واقعی تا آن‌جا که می‌توانید مخ مسموم را بخورید. هم عبرت می‌شود که از این به بعد وقت مصرف دارو دقت کند، هم با این کار به او کمک می‌کنید تا از وضعیتی که در آن قرار دارد نجات پیدا کند. برای مخ‌خوردن هم کافی‌ست تا جایی که می‌توانید از او درباره‌ی داروی استفاده شده، زمان و میزان مصرف، سوال و اطلاعات کافی کسب کنید. فقط دقت کنید تا او را از نور شدید، حرکت‌های سریع و صداهای بلند دور نگه دارید. بعد هم حرف‌های امیدوار کننده به او بزنید که به زودی حالش خوب می‌شود، تا روحیه‌اش را به‌خاطر چهارتا دانه دارو نبازد. دنیا که به آخر نرسیده است.